

# ۱. هزینه تاراج «ایندیانا جونز» آینده‌ای ندارد»

لیندن پرانت، رئیس بخش میراث فرهنگی یونسکو می‌گوید: اگرچه تاراج ادامه خواهد داشت، اما مجموعه‌داری که اثری هنری را با زادگاه نامعلوم خریداری می‌کند، دیگر نمی‌تواند با وجدان راحت زندگی کند.

گفت‌وگو از خبرنگار پیام یونسکو

میشل بسیه

وسیع صورت می‌گیرد، همین‌طور در کامبوج و عراق. چندین سال است که حجاری‌های برجسته قصر سناخریب در نینوا در کشورهای غربی دیده شده است.

گسترش بازار آثار هنری را در کشورهای شمالی چگونه توضیح می‌دهید؟

مجموعه‌ای از عوامل در این امر دخالت دارند. در ایالات متحد آمریکا نزدیک به یک دهه رشد پیوسته عامل افزایش گرایش به هنر بوده است. علاوه بر این، برگزاری نمایشگاه‌ها توسط موزه‌های اصلی و مهم، موجب معرفی فرهنگ‌هایی شده است که مدت‌ها نادیده گرفته می‌شدند.

تعداد مجموعه‌داران رو به افزایش است و به تنوع مجموعه‌های خود علاقه دارند. به تعبیر کلی‌تر، مصرف فرهنگی مکان مهمی را در اقتصاد به خود اختصاص داده است.

آیا شما می‌خواهید بر این بازار نظارت شود؟

یونسکو جابه‌جایی آثار هنری را تشویق می‌کند مشروط بر اینکه زادگاه آنها مشخص باشد. ما با تجارت غیرقانونی مبارزه می‌کنیم، چیزی که بعضی از سنت‌ها را زیر سؤال می‌برد. اگر قطعه زمینی یا ماشینی را بفروشید، خریدار از شما سند یا کارت شناسایی می‌خواهد. در مورد آثار هنری - فرهنگی مسئله به این صورت نیست. آنها استثنا هستند.

این موضوع از کجا سرچشمه می‌گیرد؟

بازار آثار هنری منزلت و اعتباری دارد و مردم تصور می‌کنند تردید در صداقت مجموعه‌داران کار ناشایستی است. محرمانه بودن معاملات هنوز هم یک قانون است. برای چندین نسل تا دهه ۱۹۹۰ دیپلمات‌ها مالکان این اشیاء بودند و آثار مهم را به صورت غیرقانونی صادر می‌کردند. ظاهراً این نوع رفتار علاقه آنان را به فرهنگ منعکس می‌کرده است. در همان زمان پلیس بین‌الملل به ما اطلاع داد که مبارزه با قاچاق مواد مخدر باعث مصادرهٔ صدها تابلوی نقاشی شده است. در محافل جنایی، مبادلهٔ آثار هنری یکی از روش‌های معتبر برای پرداخت پول است. زیرا ارزش آنها در طول زمان حفظ می‌شود.

علی‌رغم همهٔ این موارد شما عقیده دارید که نگرش‌ها در حال تغییرند. اکنون این واقعیت نادیده گرفته نمی‌شود. رسانه‌های گروهی



در دسترس: حراج عمومی سرامیک‌های به سرقت رفته دوران پیش از کشف ناره آمریکا در یوگوتا.

اخیراً مجلهٔ امریکایی هنر و حراج نوشته است:

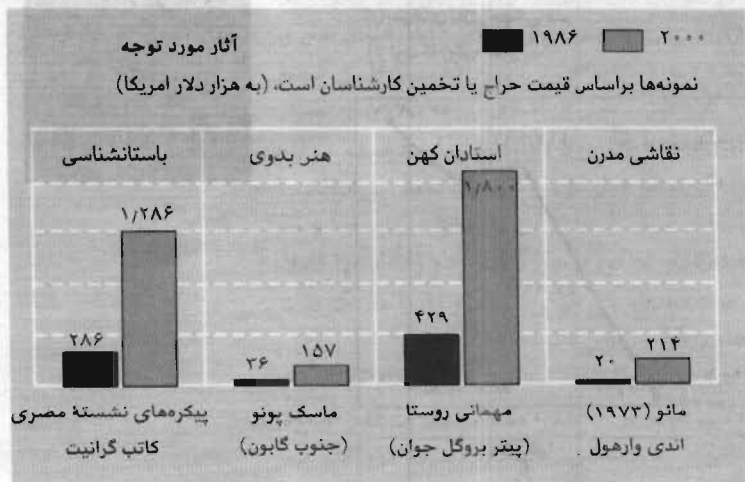
به زودی مالکیت آثار تاراج شده همانند پوشیدن خز یا سیگار کشیدن در ملا عام تقبیح خواهد شد. شما با این نظر موافق هستید.

تفسیر شرایط واقعیت دارد. موضوع صرفاً پذیرش حقایق نیست. سرقت آثار هنری بیش از پیش از نظر اخلاقی غیرقابل دفاع می‌شود.

اما این سرقت هم‌چنان ادامه دارد!

گاهی حتی وضع وخیم‌تر می‌شود. این در مورد کشورهای که ثبات آنها در اثر جنگ از بین رفته است مثل افغانستان، صحت دارد. در این کشور علاوه بر تخریب، سرقت در مقیاس





مشکلاتی که غارت گنجینه‌ها برای کشورهای ذیربط ایجاد می‌کند، به چالش برخاستند. در همان زمان، سازمان‌های غیردولتی از خود عکس‌العمل نشان دادند. من به خصوص بیانیه برن، یک سازمان غیردولتی سوئیس را به خاطر می‌آورم که طرح‌های آموزشی و اقتصادی را در کشورهای جنوبی اجرا می‌کند. این گروه دریافته‌اند که غارت آثار هنری تا چه حد باعث بیگانگی فرهنگی مردمان کشورهایی می‌شود که با این پدیده مواجه‌اند. بنابراین گزارش دست اولی در مورد پیامدهای خسارات میراث فرهنگی منتشر کردند. از زمان آغاز این اقدامات در سوئیس، کشوری که یکی از مهم‌ترین بازارهای آثار هنری است، تغییراتی در نگرش‌ها دیده شده است. ما هنوز در این مرحله هستیم؛ بسیاری از کشورها پذیرفته‌اند که غارت میراث فرهنگی نقطه مشکل کشورهای دیگر نیست.

درباره دزدی و تجارت غیرقانونی مطلب و گزارش دارند که کار درستی است زیرا این مطالب ما را خشمگین می‌کنند. مجموعه‌داری که اثری هنری را با زادگاه نامعلوم خریداری می‌کند دیگر نمی‌تواند وجدان راحتی داشته باشد، و از سوی دیگر اقداماتی برای کاهش قاچاق آثار هنری صورت گرفته است. افراد، مؤسسات، اقلیت‌ها و دولت‌ها نیروهایی هستند که این اقدامات را هدایت می‌کنند. در حال حاضر تنها سند اصلی برای مقابله با غارت آثار هنری کنوانسیون ۱۹۷۰ یونسکو است. (به جدول مراجعه کنید)

آیا مفاد کنوانسیون برای فائق آمدن بر این مشکل کافی است؟

برای تغییر نگرش‌ها راهی طولانی طی شده است. در اوایل دهه ۷۰، مدیران موزه می‌گفتند: «شغل ما جمع‌آوری زیباترین مجموعه‌های ممکن است و یونسکو به جای ایجاد مانع باید به ما کمک کند.» امروز تعداد بسیار کمی از این مدیران چنین طرز فکری دارند. اکثر موزه‌ها خود را با کد رفتاری مصوب شورای بین‌المللی موزه ICOM که همکاری نزدیکی با یونسکو دارد تطبیق داده‌اند و هیچ موردی را بدون منشأ قابل قبول خریداری نمی‌کنند و به نمایش نمی‌گذارند.

بعضی اوقات، موزه‌ها از ما اطلاعاتی درباره زادگاه یک قطعه مشخص که مایل به داشتن آن هستند درخواست می‌کنند. این کار به خصوص از زمانی آغاز شد که ما در مورد سرقت آثاری از کامبوج، عراق و افغانستان اطلاعیه‌هایی صادر کردیم.

آیا افکار عمومی نیز تغییر کرده است؟

بله. در دهه ۸۰ رسانه‌های گروهی با طرز فکر «ایندیانا جونز» یعنی شکار غیراخلاقی انواع گوناگون گنجینه‌ها از طریق

### سه رویداد که جهان آثار هنری را تکان داد

در حالی که این توضیح نیز همراه بود که: «کلکسیون شلوس توسط نازی‌ها به سرقت رفته است» آدام ویلیامز آمریکایی صاحب گالری به اتهام در اختیار داشتن آثار مسروقه (در مه ۲۰۰۱) در دادگاه فرانسوی حاضر شد که اولین مورد در قاچاق آثار هنری محسوب می‌شود.

در آوریل ۲۰۰۰ روزنامه فرانسوی در گزارشی آشکار کرد که سه مجسمه Nok متعلق به جایگاه‌های غارت‌شده در نیجریه در موزه جدید «هنرهای دوران نخستین» لوور به نمایش گذاشته شده‌اند. استفان مارتین، مدیر موزه، معامله ۲۵ میلیون فرانکی (۲۵۷ هزار دلار) را این‌گونه توجیه می‌کند. «ما به خوبی می‌دانیم که این آثار تحت چه شرایطی از نیجریه خارج شده‌اند.» آنها شاهکارهایی هستند که بهتر است به‌جای رها شدن در یک زیرزمین برای عموم مردم به نمایش گذاشته شوند. مارتین می‌گوید که موزه لوور و دولت نیجریه طی موافقت‌نامه‌ای معامله را مجاز دانستند. اما در ماه نوامبر، لرد رانفرو، رئیس مؤسسه باستان‌شناسی مک‌دونالد دانشگاه کمبریج، فرانسه را به قاچاق آثار هنری متهم کرد. سپس، ادوارد ایدون سفیر نیجریه در فرانسه اعلام داشت که «موافقت‌نامه‌ای در مورد تحصیل این آثار وجود نداشته است و راه را برای درخواست استرداد آنها باز کرد.»

۱۹۸۱ ساتبی حراج «گنجینه سوسو» را اعلام کرد. ارزش این ظروف نقره، بهترین نمونه اواخر سبک رومی، ده‌میلیون دلار اعلام شده بود. اما مدارک صادرات متعلق به لبنان جعلی بود و گنجینه در نیویورک مصادره شد. تحقیقات ساتبی را مقصر ساخت. امروز زادگاه گنجینه سوسو ناشناخته باقی مانده است، زیرا هیچ‌یک از کشورهایی که ادعای مالکیت ظروف نقره را داشتند یعنی لبنان، مجارستان و کرواسی نتوانستند ثابت کنند که این گنجینه از قلمرو آنها به سرقت رفته است. تحقیقات متوقف شد و گنجینه به صاحب انگلیسی‌اش مسترد گردید.

۱۹۹۰ در نمایشگاه دو سالانه آثار عتیقه در پاریس، مأموران فرانسوی تابلوی نقاشی را که اثر استاد هلندی فرانتس هالز و متعلق به قرن هفدهم بود از غرفه مربوط به گالری‌های نیویورک توقیف کردند. این اثر برخی از مجموعه استثنایی و برجسته‌ای بود که در قرن نوزدهم یک یهودی به نام آدولف شلوس، جمع‌آوری کرده بود. در ۱۹۴۳ نازی‌ها با همکاری پلیس فرانسه مجموعه را توقیف کردند. نیمی از این مجموعه در ۱۹۴۵ پس گرفته شد. بعد از آن، اثر فرانتس هالز، یکی از نقاشی‌های مسروقه در حراج‌های ساتبی و کریستی بدون کوچکترین سؤالی درباره زادگاه آن چهار بار فروخته شد

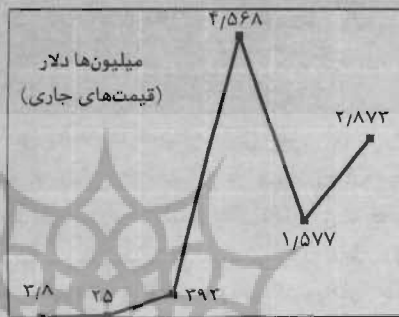
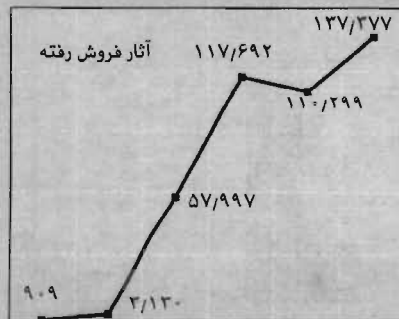


آیا جنبش‌های مربوط به استرداد اموال غارت‌شده توسط نازی‌ها، در ارتقای سطح آگاهی مردم مؤثر بوده است؟

البته، در دهه ۸۰، افکار عمومی به ابعاد وسیع غارت‌ها پی برد. این آگاهی حاصل بی‌عدالتی بسیار زیادی بود که بیش از این نمی‌توانست مورد بی‌توجهی قرار گیرد. این مسئله به سود ما بود: اگر دلان آثار هنری و موزه‌ها اصول مصوب کنوانسیون یونسکو را می‌پذیرفتند، هرگز به آن مرحله نمی‌رسیدند، زیرا زادگاه غالب آثار مورد نظر مشخص نبودند. از آن زمان به بعد این اصل پذیرفته شد که در صورت اجرای مقررات استرداد اموال در اروپا، اجرای آن در سایر کشورها نیز ضروری است.

آیا دلان آثار هنری با این اصول موافق هستند؟ نظر برخی از حرفه‌ای‌ها و کارشناسان در حال تغییر است. در بریتانیا، دلان آثار هنری در یک کمیته بین‌بخشی (وزارتخانه‌ای) شرکت می‌کنند که علاوه بر سایر فعالیت‌ها پیشنهاد کرده‌اند که بریتانیا به کنوانسیون ۱۹۷۰ ملحق شود. در کشور سوئیس اعتبار بازار (آثار هنری) به‌خاطر نگهداری و حفظ اموال فرهنگی غارت‌شده در طول جنگ جهانی دوم لطمه دیده است. دلان در برابر آگاهی افکار عمومی مصلحت خود را دریافته‌اند و پیوستن سوئیس را به کنوانسیون نادیده نمی‌گیرند.

گرایش‌های بازار جهانی هنر (از اوت تا ژوئیه سال بعد)



## مخالفت با تنظیم بازار آثار هنری

در مقدمه کنوانسیون ۱۹۷۰ چنین آمده است: «مبادله اموال فرهنگی آگاهی از تمدن بشری را در میان ملل افزایش داده و حیات فرهنگی ملت‌ها را غنی می‌سازد...» طرفداران تنظیم بازار مخالف جابه‌جایی اموال فرهنگی نیستند، آنها ضد تجارت غیرقانونی آثاری هستند که زادگاهشان نامعلوم است. این نکته بسیار مهم نشان می‌دهد که چرا مخالفت‌ها با تحقیقات بیشتر سازگاری ندارند.

### آیا تنها بازار ارزش اثر را مشخص می‌کند و بدون وجود بازار، میراث فرهنگی نادیده گرفته خواهد شد؟

اشتباه است. آثار زیادی بدون نیاز به دانستن ارزش تجاری برای باستان‌شناسان اهمیت اساسی دارند. مثل عرشه‌های ساده کشتی، که از طریق dendrochronology (علم مطالعه حلقه‌های رشد درختان) تحلیل و بررسی شده‌اند و برای تعیین تاریخ غرق شدن کشتی مورد استفاده قرار می‌گیرند. از این گذشته، نوسان در قیمت فروش اغلب ارتباطی به کیفیت اثر از لحاظ زیبایی‌شناسی یا اهمیت تاریخی آن ندارند. مثلاً افزایش ناگهانی قیمت گاهی به عرضه نمونه‌های جعلی و در نهایت بی‌ارزشی اثر منتهی می‌شود. امروز قیمت ظروف و گلدان‌های هنر معاصر داون و گاله به نازل‌ترین حد خود رسیده است.

### مدافعان میراث فرهنگی در برابر مفهوم جهانشمولی فرهنگ، ملی‌گرایی را تشویق می‌کنند.

هر کشوری حق دارد تا مجموعه‌ای از میراث فرهنگی خود یعنی عنصر تشکیل‌دهنده هویت‌اش را حفظ کند. این اصل نه جابه‌جایی آزاد آثار هنری دارای زادگاه قانونی را مورد تردید قرار می‌دهد و نه مفهوم جهانشمولی فرهنگ را به هر صورتی نقض می‌کند. علاوه بر این، غارت آثار تاریخی نوعی سرقت است و مبارزه با آن حق قانونی کشورهاست چه کشورهایی که هنوز جایگاه‌های تاریخی غنی‌ای دارند مانند ترکیه، ایتالیا و یونان و چه کشورهایی که تقریباً همه چیز را از دست داده‌اند مانند جزایر سلیمان، بنگلادش و مالی.

برخی کشورها به دلیل بی‌ثباتی سیاسی یا فساد نخبگان خود قادر به محافظت میراث فرهنگی نیستند. بهتر است که آثار فرهنگی آنها در مجموعه‌های کشورهای پیشرفته نگهداری شود.

پس از سرقت‌هایی که در سال گذشته در موزه‌های نیجریه روی داد، فرانک ویلت، متخصص اسکاتلندی که در آن کشور از احترام زیادی برخوردار است، مجموعه‌داران را تشویق کرد که تا آثار معامله‌شده در بازار را مسترد نکنند و مقامات نیجریه را به همدستی در سرقت آثار هنری متهم ساخت. این استدلال معتبری است اما بخش مهمی از مشکل را نادیده می‌گیرد. قاچاق و فساد همراه با آن به‌خاطر تقاضاست. البته بازار وجود دارد، اما مهم پنهانی بودن آن است، امری که مدافعان کنترل بازار با آن مخالفت دارند. راه حل چیست؟ موزه‌ها و مجموعه‌داران خصوصی با سیاست‌های غیراخلاقی تملک توانستند مبالغ لازم را برای سرمایه‌گذاری در حفاری‌های رسمی باستان‌شناسی فراهم سازند. به‌عنوان مثال، بنیاد آمریکایی پاکارد، مبلغ پنج میلیون دلار برای تحقیقات باستان‌شناسی در زویگمای ترکیه اختصاص داده است تا به این وسیله از غارت مزمن این جایگاه مهم موزاییک‌های رومی ممانعت به عمل آورد.

باستان‌شناسان چه حقی دارند که کشاورزان فقیر را از غارت مقبره‌های اجدادشان باز دارند، درحالی که این کار تأمین‌کننده معاش خانواده آنهاست.

غارتگران برای تأمین معاش غارت نمی‌کنند. چندین سال پیش، یک کشاورز سرخپوست مجسمه‌ای را که از حفاری به‌دست آورده بود به یک دلال محلی به قیمت دوازده پوند استرلینگ (۷۵۰ دلار) فروخت، سی سال بعد همان مجسمه در حراجی در لندن به قیمت ۳۰۰ هزار پوند استرلینگ (۱۸۸۰۰۰ دلار) فروخته شد. برعکس حفظ و نگهداری یک جایگاه تاریخی منبعی اقتصادی برای جمعیت محلی است.



اثر نفوذ استعمار با ستایش و تجلیل زیبایی‌شناختی همراه بوده است اما خسارات وارده بر فرهنگ‌ها و همچنین ریشه‌کنی آنها را نمی‌توان نادیده گرفت.

### کشورهای مبدأ برای مبارزه با قاچاق چه اقدامی می‌توانند بکنند؟

طبق برآوردها تنها پنج درصد آثار غارت‌شده پیدا شده‌اند و نه بیشتر. روشن است که کشورهای مبدأ مسئولیت اصلی محافظت را برعهده دارند. با برگزاری اجلاس‌ها و کارگاه‌های منطقه‌ای کشورها را در تشکیل شبکه‌هایی از مجریان قانون، مأموران گمرک و مدیران موزه‌ها یاری می‌دهیم. در صورت نبود همکاری میان این گروه‌ها و کشورها هر نوع تلاشی بی‌فایده است. ما حتی مشاورانی داریم که به کشورها در اصلاح قوانین ملی و تهیه فهرست آثار هنری خود کمک می‌کنند. اخیراً کارگاهی در ویتنام برگزار کردیم، هانوی به‌تنهایی دارای بیش از هفتصد پاگودا (نوعی معبد) و معبد است با هزاران اثر ارزشمند که بیشتر آنها هنوز فهرست نشده‌اند. سخنرانی کارشناسی از چین برای شنوندگان جالب بود، او گفت: ویتنام به روی جهانگردان باز است. شما باید روش‌های کنترل را قبل از اینکه خیلی دیر شود تعیین کنید، چین هم دقیقاً چنین تجربه‌ای را پشت سر گذاشته است. طی چند سال، غارت آثار هنری در چین به درجه‌ای رسید که هیچ‌کس تصور آن را نمی‌کرد.

### آیا می‌توان جلوی غارت را گرفت؟ ساکنان تنگدست

نواحی روستایی به‌دلایل معیشتی به حفاری می‌پردازند! بله، همین‌طور است. اما می‌توان این گرایش را تغییر داد. مثلاً در پرو، جایی که تهاجم به مقبره‌ها بسیار متداول بود، ابتکار والتراوا همه چیز را تغییر داد. (به صفحه ۳۰ مراجعه شود) او برای سرخپوستان توضیح داد که «اینها پدران شما هستند». ما هر کاری که از دستان برمی‌آید برای بالا بردن آگاهی مردم انجام می‌دهیم. چنانچه مردم به اهمیت میراث فرهنگی پی برند، خود بهترین مدیران جایگاه‌های تاریخی می‌شوند. ■

کنوانسیون «منع ورود و صدور انتقال غیرقانونی مالکیت اموال فرهنگی» یونسکو (۱۹۷۰) در ارتقای سطح آگاهی عمومی نقش به‌سزایی داشته است. عهدنامه سورز (۱۹۲۱) اولین اقدام برای نظارت بر نقل و انتقال آثار تاریخی خاورمیانه بود. در دهه ۶۰ بسیاری از کشورها به استقلال دست یافتند. این کشورها یعنی مستعمره‌های سابق خواستار استرداد میراث فرهنگی خود یا حداقل توقف غارت آنها شدند. نیجریه، چین و اندونزی در این خصوص بسیار فعال بودند. همچنین یونان که غارت و سرقت را در حدود بیش از یک قرن تجربه کرده بود. امروز، ۹۱ کشور عضو کنوانسیون ۱۹۷۰ برای مقابله با ورود، صدور و انتقال غیرقانونی آثار هنری به سرقت رفته و اصول استرداد آنها هم‌پیمان شده‌اند. همچنین با وضع قوانینی برای مبارزه با قاچاق برای موزه‌ها و دلان به توافق رسیده‌اند. کشورهایی که بازار اصلی آثار هنری بودند، تا مدت‌ها نسبت به کنوانسیون تردید داشتند. از جمله ایالات متحد آمریکا که بالاخره در ۱۹۸۳ مفاد کنوانسیون را پذیرفت.

کنوانسیون دوم برای از بین بردن نارضایتی این نوع کشورها تدوین شد. متن کنوانسیون را مؤسسه بین‌المللی یکسان‌سازی قوانین حقوق خصوصی unidroit، سازمان مستقل غیردولتی که هدفش استاندارد کردن قوانین حقوق خصوصی کشورها در زمینه‌های مختلف است تهیه کرد. پس از قطعیت سند در ۱۹۹۵ اکثر کشورها اعتراض کردند که این اقدام به‌مراتب دست‌وپاگیرتر از کنوانسیون است و مذاکره درباره الحاق به کنوانسیون ۱۹۷۰ را شروع کردند. فرانسه کنوانسیون را در ۱۹۹۷ پذیرفت. بلژیک و سوئیس دو کشور پیشرو در بازار آثار هنری، جزو سیزده کشوری هستند که در آستانه پیوستن به کنوانسیون هستند. بریتانیا و ژاپن هم در حال بررسی الحاق به کنوانسیون هستند. کنوانسیون عطف به ماسبق نمی‌شود، بنابراین مشمول اختلافات گذشته هم نیست، مانند اختلاف نظر بین یونان و بریتانیا درباره سنگ مرمرهای الگن. در کنوانسیون برای حل اختلافات جدید، کمیته بین‌دولتی استرداد آثار هنری-فرهنگی به کشورهای مبدأ پیش‌بینی شده است که به‌عنوان میانجی عمل می‌کند. ازجمله، کمیته بر استرداد چند صد شیء از ایالات متحد آمریکا به موزه کورنیت یونان نظارت داشت و در حال حاضر باز پس دادن منسوجات باستانی بولیوی را که به‌صورت غیرقانونی به کانادا صادر شده بودند پی‌گیری می‌کند. ■

<http://www.unesco.org/culture>  
<http://www.icom.org>  
<http://www.artloss.com>

از لحاظ تاریخی، ایجاد مجموعه‌های آثار هنری، راهی برای برآوردن نیاز به شناخت تمدن‌های گذشته است. از دید شما این علاقه هنوز مشروع است؟ بله. اما امروز احترام بیشتری برای تنوع فرهنگی قائل هستیم. علاوه بر آثار یا تولیدات سایر فرهنگ‌ها، ما به نگرش‌ها و ادراک آنها از جهان علاقه‌مندیم. ایالات متحد آمریکا، نیوزیلند و استرالیا با گذشته استعماری مشترکی، در نهایت پذیرفته‌اند که باید اقلیت‌های نژادی را در حفظ و مدیریت مجموعه‌هایشان مشارکت دهند و تنها به نمایش برخی آثار مذهبی و احترام به رسوم اکتفا نکنند. تحصیل آثار هنری در



در مه ۱۹۴۵ نیروهای امریکایی از تاراج ساهکارهای نقاشی توسط هرمان کورینگ جلوگیری می‌کنند.